

دو فصلنامه علمی تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء (س)
سال سی و دوم، دوره جدید، شماره ۳۰، پیاپی ۱۱۵، پاییز و زمستان ۱۴۰۱
مقاله علمی - پژوهشی
صفحات ۳۲-۱۳

بررسی آرا و اندیشه‌های تاریخ‌نگارانه ماوردی در اعلام النبوه^۱

محمدامیر احمدزاده^۲، مهناز کوهی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۴

چکیده

ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب بصری ماوردی از بزرگ‌ترین فقهای شافعی در قرون ۴ و ۵ هجری بوده است که به دلیل آثار متعددی که در موضوع سیاست به نگارش درآورده، جایگاه مهمی در تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام دارد. اعلام النبوه یکی از آثار بازمانده ماوردی است که با موضوع اثبات نبوت حضرت محمد(ص) با تکیه بر نشانه‌های پیامبری وی نوشته شده است. با توجه به اینکه این کتاب در زمره آثار سیره‌نگاری قرار می‌گیرد و نیز با توجه به اینکه تاریخ‌نگری به معنی چگونگی تفکر تاریخی مورخ است، پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخی برای این پرسش است: تاریخ‌نگری یا اندیشه‌های تاریخ‌نگارانه ماوردی در اعلام النبوه چگونه بوده است و از طرف دیگر اندیشه‌های کلامی او چه تأثیری بر تاریخ‌نگاری‌اش داشته است؟ نگارندگان با رویکرد توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، به این نتایج دست یافتند: ماوردی در سخن از روایات مبتنی بر معجزه و نیز ارائه تاریخ زندگی پیامبر(ص) بینش تاریخی داشته است. وی علی‌رغم رویکرد الهیاتی به مسئله اعجاز، در توجه به عناصر تاریخی (زمان- مکان- موقعیت)، تسامح در شناخت راوی، توجه به امکان وقوع اخبار تا حد ممکن و نیز توجه به نقد و تحلیل، بینش تاریخی خویش را نشان داده است. همچنین رویکرد کلامی او در بحث اعجاز قرآن و پذیرش عصمت پیش از نبوت، مانند معتزله بوده و به دلیل مخالفت اشاعره با عصمت پیش از نبوت، می‌توان رویکرد کلامی وی را در این اثر مانند معتزلیان دانست.

کلیدواژه‌ها: ماوردی، اعلام النبوه، تاریخ‌نگری، اعجاز، معتزلی.

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hph.2024.45447.1693

۲. دانشیار، گروه پژوهشی تاریخ فکری و فرهنگی ایران، پژوهشکده تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران. m.ahmadzadeh@ihcs.ir

۳. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران (نویسنده مسئول). mahnazkoochi@yahoo.com

مقدمه

ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب بصری، معروف به ماوردی، قاضی القضاة، از بزرگان فقه‌های شافعی و به‌گفتهٔ حموی در اصول پیرو مکتب معتزلی بود (یاقوت حموی، ۱۳۸۱: ۲/ ۸۶۱). ماوردی در سال ۳۶۴ قمری در بصره به دنیا آمد. او در درخشان‌ترین دورهٔ فرهنگ اسلامی زندگی کرد؛ دوره‌ای که شکوفایی علمی و فرهنگی در سرزمین‌های اسلامی، موجب ظهور دانشمندان بزرگی شد که حاصل فرهنگ‌های گوناگون را جمع‌آوری کردند و علوم اسلامی را با میراثی که از امت‌های قدیم به دست مسلمانان رسیده بود، ترکیب کردند (ماوردی، ۱۳۷۲: ۱۷). ماوردی تحصیلات خود را با هدف آمادگی در امور قضایی و فقهی آغاز و پی‌گیری کرد (خوانساری، ۱۳۶۰: ۱۶۸/۶). القادر بالله، خلیفهٔ عباسی، از برجستگان مذاهب فقهی چهارگانهٔ اهل سنت در زمان خویش دعوت کرد تا فقه مذهبشان را تدوین کنند. ماوردی الاقناع را دربارهٔ مذهب شافعی نوشت که مورد توجه ویژهٔ خلیفه واقع شد (یاقوت حموی، ۱۳۸۱: ۲/ ۸۶۲) و از سوی او با عنوان قاضی القضاة بغداد، پایتخت جهان اسلام، منصوب گردید. این امر با اعتراض برخی از علما و فقها مبنی بر اینکه این عنوان مخصوص خداوند است مواجه شد. با وجود این ماوردی تا زمان مرگ قاضی القضاة بغداد ماند (قادری، ۱۳۸۳: ۷۳).

ماوردی با وجود اختلافات مذهبی با آل‌بویه، از طرف آن‌ها مورد تکریم و احترام فراوان بود؛ به‌طوری که در مواقع لزوم از سوی آن‌ها به سفارت و ایلچی‌گری منصوب می‌شد و «امضا معاهدات او را به موقع تنفیذ و قبول می‌گذاشتند» (مدرس، بی‌تا: ۱۶۱/۵). وی سرانجام در سال ۴۵۰ قمری و در سن هشتاد و شش سالگی در بغداد دار فانی را وداع گفت. وجه تسمیهٔ او را از این دانسته‌اند که ماوردی منسوب به ماء‌ورد است؛ یعنی، گلاب‌فروش (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۳۲۶؛ ذهبی، ۱۴۱۳: ۱۸/۶۵؛ صفدی، ۱۴۱۱: ۲۱/۴۵۲؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۶/۴۱؛ ابن خلکان، بی‌تا: ۳/ ۲۸۲؛ زرکلی، ۱۹۸۹: ۴/ ۳۲۷؛ بغدادی، ۱۹۵۱: ۵/ ۶۸۹؛ خوانساری، ۱۳۶۰: ۱۶۷/۶ و مدرس، بی‌تا: ۱۶۱/۵).

ماوردی به واسطهٔ نوشتن کتاب‌های الاحکام السلطانیة، نصیحة الملوک، قوانین الوزاره، سیاست الملک و ادب الدنيا و الدین به‌عنوان یکی از اندیشمندان و نظریه‌پردازان مهم اسلامی شناخته می‌شود. با وجود این، وی در علوم اسلامی دیگر نیز آثاری به رشتهٔ تحریر درآورد. یاقوت حموی دربارهٔ او می‌گوید ماوردی به دانش‌های گوناگون آراسته بود (یاقوت حموی، ۱۳۸۱: ۲/ ۲۶۱). اعلام النبوه یکی از آثار او در اخبار پیامبر اسلام (ص) است و در زمرهٔ آثار موسوم به دلائل‌نگاری نبوی به‌شمار می‌رود که در زیرمجموعهٔ تاریخ‌نگاری اسلامی قرار دارند. سخاوی در الاعلان بالتوئیخ لمن ذم اهل التاریخ که از مفصل‌ترین آثار کتاب‌شناسی

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۲، شماره ۳۰، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ / ۱۵

تاریخ اسلام است در ضمن کتاب‌هایی که در موضوع سیره پیامبر(ص) به نگارش درآمده‌اند از آثاری با عنوان دلائل النبوه یاد می‌کند که کتاب *اعلام النبوه* ماوردی یکی از آن‌هاست (سخاوی، ۱۴۰۷: ۱۵۶-۱۵۳). تمرکز موضوعی چنین کتاب‌هایی بر اثبات نبوت حضرت محمد(ص) با تأکید ویژه بر نشانه‌های پیامبری وی از جمله معجزات است.

نویسندگان این کتاب‌ها نه تنها محدثان، بلکه اندیشمندان مسلمان، متکلمان معتزلی، داعیان فیلسوف اسماعیلی، امامان زیدی و برخی اشخاص برجسته در علم و فلسفه بودند. آنان با توجه به فرقه و مسلکی که به آن تعلق داشتند و با توجه به آموزه‌های فکری و مذهبی خویش به نوشتن این آثار پرداختند. کتاب‌های دلائل النبوه از قرن سوم هجری به نگارش درآمدند و در قرن چهارم و پنجم هجری، هم‌پای دیگر آثار اسلامی در این دوران، علاقه و توجه به نگارش آن‌ها افزایش یافت.

در این دو قرن مهم‌ترین آثار دلائل‌نگاری نبوی تألیف شد. دلیل اصلی نگارش کتاب‌هایی همچون *اعلام النبوه*، به راه افتادن جریان‌هایی تحت عناوین زنداقه، معطله، قرمطیان و مانند آن بود که اباحی‌گری را سرلوحه رفتار و عقاید خویش قرار داده و اصول و عقاید اسلامی از جمله توحید، نبوت و معاد را نفی و انکار می‌کرد (حسینی علوی، ۱۳۷۶: ۳۷). این جریان‌های فکری و الحادی که موجب ایجاد شبهه و شک و تردید در جامعه می‌شد (ابن قتیبه دینوری، ۱۹۷۳: ۲۲) علاوه بر مقابله دستگاه خلافت عباسی (طبری، بی تا: ۸/ ۱۶۷) و نیز خاندان‌های حکومتگر (شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱: ۲/ ۹۹)، موجب برانگیختن اندیشمندان مسلمان شده و آن‌ها نیز دست به اقداماتی زدند (رازی، ۱۳۸۱: صفحات متعدد) که یکی از آن‌ها تلاش برای اثبات نبوت حضرت محمد(ص) از راه اثبات نشانه‌های پیامبری وی بود.

باید گفت که در نگارش این کتاب‌ها با رویکردهای متفاوتی مواجه هستیم: تاریخی، کلامی، تاریخی-کلامی. *اعلام النبوه* اثر ماوردی در زمره آثاری از دلائل‌نگاری قرار دارد که هم رویکرد کلامی و هم رویکرد تاریخی دارند؛ بنابراین اگرچه ماوردی یک مورخ نیست، به واسطه نوشتن کتاب *اعلام النبوه* می‌توان به بینش تاریخی وی نیز پی برد. توضیح اینکه تاریخ‌نگاری پیامبر اسلام (ص) تا قرن‌ها بر محور احادیث می‌چرخید و حتی در قرن سوم و چهارم هجری به بعد که آثاری با موضوعات خاص از آن منشعب شد، کماکان در شکل حدیث و روایت ظاهر شد.

خوارزمی در ذیل علوم اسلامی، فقه، کلام، نحو، کتابت و... از علم الاخبار نیز نام برده که موضوع آن ذکر اخبار پادشاهان و اقوام مختلف بود و یک شاخه از این دانش به ذکر فتوح و مغازی و اخبار اعراب پس از اسلام اختصاص داشت (خوارزمی، ۱۳۸۳: فهرست و ۹۸).

فخرالدین رازی نیز که دورهٔ حیات او پس از ماوردی بوده است علم تاریخ را به‌دنبال علوم دینی مانند قرائت، حدیث، رجال و مغازی آورده است. جالب اینکه وی پیش از ذکر این علوم از علم دلائل الاعجاز نیز نام برده است (فخرالدین رازی، ۱۳۸۲: ۷۱).

بیرونی تاریخ را از علوم نقلی دانسته که جنبهٔ خبری و روایی داشته و شناخت موضوعات آن از طریق نقل و روایت و نه قیاس و استدلال امکان‌پذیر بوده است (بیرونی، ۱۳۷۷: مقدمه). در واقع در دورهٔ ماوردی علم تاریخ با عنوان علم الاخبار در زیرمجموعهٔ علوم اسلامی و دینی قرار داشته و از نظر موضوع و روش در مجموعهٔ علوم نقلی و خبری قرار داشته است. براساس فایده‌مندی مذهبی و عقیدتی به تاریخ نگریسته می‌شد و در واقع به‌عنوان یکی از اجزای علم الادیان در خدمت علوم شرعی و توجیه‌کنندهٔ باورها و عقاید دینی و اندیشه‌های الهی بود (صدقی، ۱۳۹۵: ۲۵-۲۴).

مسئلهٔ دیگری که در این پژوهش مدنظر بوده، نوع نگاه ماوردی در پرداختن به موضوع این کتاب است. واقعیت این است که نویسندگان کتاب‌های دلائل النبوه هر یک با توجه به مکتب فقهی، کلامی یا اندیشه‌ای خود به این موضوع توجه نشان داده‌اند و ما به‌طور کلی در معرفی ماوردی با تناقض‌هایی مواجه هستیم. ذهبی در تاریخ اسلام و وفیات مشاهیر اعلام می‌نویسد: ماوردی تظاهر به انتساب به معتزله نمی‌کرد تا از او دوری نگزینند و تلاش می‌کرد که موافقتش با آن‌ها را پنهان کند؛ اما در خلق قرآن و در قدر با آن‌ها موافق نبود (ذهبی، ۱۴۱۴: ۳۰/۲۵۵).

نویسندهٔ تبصره العوام که ماوردی را رئیس فرقهٔ شافعی معتزلی معرفی کرده (حسنی رازی، ۱۳۶۴: ۹۸) و یاقوت حموی که در معجم‌الادبا او را در فروع، شافعی و در اصول، معتزلی دانسته است (حموی، ۱۳۸۱: ۲/۸۶۱). زهدی حسن جارالله نیز در کتاب المعترله وی را جزو قضات معتزلی به شمار آورده است (جارالله، ۱۳۶۶: ۲۰۸).

معاصران البته نگاه دیگری دارند: حاتم قادری در مقاله‌ای با عنوان «دیدگاه‌های سیاسی ماوردی» که در جلد دوم دورهٔ ۱۹ جلدی اندیشهٔ سیاسی متفکران مسلمان به چاپ رسیده، وی را شافعی‌مذهب و اشعری‌مسلك به شمار آورده است (علیخانی، ۱۳۹۰/۲). همچنین مرتضی شیرودی نویسندهٔ کتاب اندیشهٔ سیاسی مسلمانان، رسالهٔ فقهی الاقناع را که به سفارش خلیفه القادر تهیه شده بود، دربارهٔ فقه شافعی و اشعری ذکر کرده است (شیرودی، ۱۳۸۳: ۸۹). مصحح کتاب اعلام النبوه، ماوردی را از متکلمان اشعری معرفی می‌کند که به‌دلیل تعصبش نسبت به مذهب اشاعره و روش کلامی آن‌ها در عقیده، به اعتزال متهم شد. وی این اختلاف در معرفی عقیدهٔ او را به این دلیل می‌داند که عقیدهٔ اشاعره تلفیقی از عقاید فرق کلامی بوده که

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۲، شماره ۳۰، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ / ۱۷

تحت تأثیر روش فلسفی، منطقی و جدلی یونانی است و سخنانشان در تأویل صفات خداوند مانند معتزله است.

آن‌ها معتقدند قرآن در لوح محفوظ خلق شده و این را به گفته‌های معتزله که معتقد به خلق قرآن بودند، برمی‌گردانند. پس چندان بعید نیست که متکلمان اشعری به اعتزال متهم شوند (ماوردی، ۱۴۱۴: مقدمه ۲۵-۲۱). تاریخ‌نگری مورخ مستلزم بازشناسی ذهن و ضمیر اوست (فیاض انوش و دیگران، ۱۳۹۵: ۹۷) و نوع نگاه مورخان به تاریخ، در تاریخ‌نگاری آن‌ها تأثیر می‌گذارد و در واقع مورخ با توجه به افق فکری‌اش دست به نگارش تاریخ می‌زند (لطف‌آبادی، ۱۴۰۰: ۲۳۶). به عبارت دیگر، با توجه به اینکه تاریخ‌نگری یعنی چگونگی توجه مورخ به تاریخ و تفکر تاریخی که بیانگر بینش و جهت و تبیین جریان‌ات و وقایع تاریخی از دریچه ذهن اوست (زرین‌کوب، ۱۳۶۲: ۱۹۸) و تاریخ‌نگاری نیز نتیجه کشاکش آگاهانه ذهن و فکر مورخ با واقعه تاریخ (آقاجری، ۱۳۸۰: ۳۸) و به عبارت ساده‌تر، آنچه متأثر از اندیشه تاریخی مورخ است در چگونگی ذکر وقایع تاریخی تبلور می‌یابد. در پژوهش حاضر بینش تاریخی، تاریخ‌نگری و اندیشه‌های تاریخ‌نگارانه در یک مفهوم به کار رفته‌اند.

با این توضیحات، پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخی برای این پرسش است که با در نظر گرفتن اینکه کتاب *اعلام النبوه* اثر ماوردی در زمره آثار سیره‌نگاری پیامبر (ص) قرار دارد و سیره‌نگاری بخشی از تاریخ‌نگاری پیامبر (ص) را تشکیل می‌دهد، ماوردی در نگارش این کتاب، چه اندیشه‌های تاریخ‌نگارانه‌ای داشته است و نیز اندیشه‌های کلامی وی چه تأثیری بر تاریخ‌نگاری او گذاشته است؛ زیرا علم کلام به عنوان یک معرفت‌پیشینی بر تاریخ‌نگاری متکلم نیز تأثیر می‌گذارد (فیضی سخا، ۱۳۹۳: ۱۱۱).

تفاوت این دو مسئله در این است که تاریخ‌نگری ماوردی در «چگونگی پرداختن او به روایات تاریخی» مبتنی بر اعجاز نبوت تبلور یافته است و آیا با در نظر گرفتن برخی ملاحظات تاریخی، آیا می‌توان در این کتاب او را دارای اندیشه‌های تاریخی نیز دانست یا نه، در حالی که در مسئله دوم، نوع پرداختن ماوردی به مسئله اعجاز که در قالب روایات تاریخی آمده است، حاوی دیدگاه‌های کلامی معتزله بوده است یا اشاعره و با در نظر گرفتن این کتاب، او را باید معتزلی دانست یا اشعری؟

ماوردی یکی از نظریه‌پردازان مهم سیاسی جهان اسلام به شمار می‌رود و قریب به اتفاق پژوهش‌هایی که درباره وی صورت گرفته است به همین وجه از اندیشه‌های او پرداخته‌اند: اندیشه و عمل سیاسی ماوردی (۱۳۶۵)، جایگاه و حقوق مخالفان در نظام خلافت ماوردی (۱۳۹۸)، تطبیق تحلیلی آرا سیاسی ابوالحسن ماوردی و نوشته‌های جوینی در جهان‌گشا

(۱۴۰۰) و ... با وجود این، مقاله «ماوردی: نگاهی به زندگی و آثار او» (۱۳۷۲) با نگاه گسترده‌تری سعی در بازشناسی افق فکری ماوردی داشته است. نویسنده این مقاله با توجه به تعداد زیاد احادیث ارائه‌شده در الاحکام السلطانیه، اعلام النبوه و ادب الدنيا و الدین به دانش وسیع ماوردی در زمینه حدیث توجه نشان داده است و به تردیدهای نویسندگان مختلف پیرامون نحله فکری ماوردی اشاره کرده ولی وی نیز در نهایت تمرکز مقاله را بر نظریه سیاسی ماوردی قرار داده است. پژوهش پیش رو با تمرکز بر کتاب اعلام النبوه سعی در بازشناسی تاریخ‌نگری ماوردی داشته و تلاش کرده است تا حد ممکن این وجه از اندیشه‌های وی را نیز تبیین نماید.

محورهای اصلی تاریخ‌نگری ماوردی در اعلام النبوه

کتاب اعلام النبوه اثر ماوردی هم حاوی اندیشه‌های کلامی ماوردی در این موضوع و هم شامل تاریخ‌نگری وی است. نیمه اول کتاب او، به مباحث کلامی و بخش دوم کتابش که رویکرد تاریخی دارد حاوی تاریخ‌نگری اوست. نوع پرداختن او به اعجاز نبوت در بخش دوم کتاب به ما نشان می‌دهد که نویسنده چندان هم با تاریخ بیگانه نبوده است. این مسئله نه تنها در نوع نگاه او به روایاتی که برای این بخش برگزیده است رخ می‌نماید، بلکه در انتهای کتاب که نویسنده به بخش‌هایی از زندگی پیامبر اسلام (ص) پرداخته و سخن از دوران کودکی و جوانی و سلوک اخلاقی وی ساز کرده است، بیش‌ازپیش بینش تاریخی خویش را نشان داده است. تاریخ‌نگری ماوردی را می‌توان در محورهای زیر بررسی کرد:

۱. رویکرد الهیاتی به مسئله اعجاز

موضوع اصلی کتاب اعلام النبوه، مسئله اعجاز نبوت محمد (ص) است؛ بنابراین در اولین گام جهت بررسی اندیشه‌های تاریخ‌نگارانه وی لازم است بدانیم او درباره اعجاز چگونه اندیشیده است. بازشناسی نوع نگاه او به مسئله اعجاز، اگرچه به نظر می‌رسد در حیطه دیدگاه‌های کلامی او جای می‌گیرد، چهارچوب کلی بحث او را در این کتاب روشن می‌کند. اینکه او در بخش تاریخی اعلام النبوه چگونه و به چه مباحثی پرداخته است، با دانستن نوع نگاه او به بحث اعجاز مشخص می‌شود.

ماوردی صحت نبوت را به سه شرط می‌داند: مدعی نبوت باید صفات اخلاقی (فضایل و کمالاتی) داشته باشد و به سبب صداقتش، ادعای او را بپذیرند نه اینکه تکذیبش کنند؛ نشان‌دادن معجزه‌ای که بر راستی گفتار و ادعایش دلالت کرده و در نتیجه تأییدی بر دعوی رسالتش باشد؛ همچنین معجزه با ادعای نبوت همراه باشد (ماوردی، ۱۴۱۴: ۷۸ و ۷۷).

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۲، شماره ۳۰، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ / ۱۹

علی‌رغم تأکید زیاد ماوردی بر عقل و نگاه استدلالی به موضوع، او در پرداختن به مسئلهٔ اعجاز نگاهی مؤمنانه داشته است. ماوردی معجزه را با شرایط زیر، از نشانه‌های پیامبری و دلیلی بر صحت نبوت پیامبران دانسته است:

۱. آنچه جنس آن از قدرت بشر خارج است؛
۲. آنچه اگر چه جنس آن از قدرت بشر خارج نیست، مقدار و میزان آن خارج از توان بشری است؛
۳. علمی که خارج از معلومات بشری باشد، مانند آگاهی از غیب؛ با دو شرط: آنقدر تکرار شود که از حد اتفاق خارج شود و نیز جدا از دلیلی که بر آن استنباط می‌شود؛
۴. آنچه نوعش خارج از قدرت بشر، اما جنس آن در توان انسان است؛ مانند قرآن که اسلوبش از اقسام کلام خارج است؛
۵. آنچه از نوع افعال انسان است، اما به سمت خروج از توان بشری طغیان می‌کند؛ مانند بهبودی که از بیماری مزمن حاصل می‌شود و نیز بذری که در خارج از زمان خود محصول می‌دهد؛

۶. ناتوانی در انجام آنچه در توان است؛ مانند آگاه‌کردن گوینده از عجز او در صحبت کردن و آگاه‌کردن نویسنده از ناتوانی‌اش در نوشتن. این معجزه مخصوص ناتوان است و از او فراتر نمی‌رود، زیرا او به ناتوانی خود یقین دارد و هیچ‌کس دیگری به ناتوانی او یقین ندارد؛
۷. صحبت کردن حیوانات یا حرکت جمادات، اگر به درخواست پیامبر یا اشارهٔ او باشد، در غیر این صورت معجزه نیست؛

۸. آشکارکردن چیزی در غیر از زمان خودش؛ مانند میوه‌های تابستانی در فصل زمستان.

۹. روان‌شدن آب یا قطع‌شدن آب روان به دلایلی غیر از اسباب عادی؛

۱۰. سیرکردن افراد زیاد با مقدار کمی غذا یا آب (همان: ۸۲-۸۰).

ماوردی در تمام این محورها معجزاتی برای پیامبر (ص) ارائه داده است. او به چنین مواردی اشاره کرده است: معجزات عصمت (همان: ۱۶۶-۱۵۷)، معجزاتی در کارهایش (همان: ۱۷۶-۱۶۷)، نشانه‌هایی که در سخنانش شنیده شده (همان: ۲۰۰-۱۷۷)، آنچه از دعاهایی که اجابت شده (همان: ۲۰۶-۲۰۱)، اخبار غیبی (همان: ۲۱۲-۲۰۷)، معجزاتی در رابطه با چهارپایان (همان: ۲۱۸-۲۱۳) و نباتات (همان: ۲۲۸-۲۱۹)، بشارات انبیای گذشته (همان: ۲۴۰-۲۳۱) و الهام‌های غیبی که شاهی بر نبوت او بوده اند (همان: ۲۵۵-۲۴۳).

نکتهٔ دیگری که در راستای تبیین رویکرد الهیاتی ماوردی باید به آن اشاره کرد این است که تردیدکنندگانی که مسلمانان را به چالش می‌کشیدند به دنبال دلایلی بودند که ادعای پیامبران

را تأیید کند؛ ادعای اینکه آنچه آن‌ها می‌گویند از طرف خداوند صادر شده است. چنین چالش‌هایی در درون جوامع مسلمانان هم برقرار می‌شد. واقعیت این بود که با فاصله‌گرفتن از زمان پیامبر(ص) و نبود هرگونه سندی از آن زمان، این امکان در اختیار آن‌ها بود که تصوراتی نو از آن بیافرینند و از اینجا بود که در ضمن داستان زندگی پیامبر(ص)، حدس و گمان‌ها و حتی افسانه‌ها و اسطوره‌هایی نیز ایجاد شد (رابینسون، ۱۳۹۲: ۴۵).

به همین دلیل است که در کتاب‌های دلائل النبوه از جمله کتاب ماوردی با روایت‌هایی مواجه می‌شویم که بعضاً از نظر تاریخی با معیارهای امروز، قابلیت ارزیابی نداشتند، اما این درست در مرکز اندیشهٔ او دربارهٔ موضوع کتابش قرار دارد: اعتقاد به معجزه برای اثبات پیامبری محمد(ص)؛ آنچه جنس آن از قدرت بشر خارج است. باید گفت که پرداختن به این موضوعات، مانع از ذکر موارد تاریخی توسط ماوردی نشده است. وی در مباحث متعددی به کمالات اخلاقی و بخش‌هایی از داستان زندگی پیامبر(ص) توجه نشان داده است. رویکرد او در پرداختن به این موضوعات تاریخی است و توضیح اینکه چنین مباحثی را در کتاب‌های معتبر تاریخی در قرون اولیه و میانهٔ اسلامی از جمله آثار ابن‌هشام، طبری، ازرقی، ابن‌کثیر و... می‌بینیم.

۲. توجه به عناصر تاریخی (زمان - مکان - موقعیت)

تاریخ‌نگری ماوردی در پرداختن به معجزات عملی پیامبر(ص) آشکار می‌شود. در این بخش او با استناد به روایات وارد شده با این مضمون، به اثبات نبوت خاصه می‌پردازد. معجزات عصمت، معجزات عملی، اجابت دعا، معجزات در کلام، اخبار از غیب، معجزات مربوط به حیوانات و نباتات، بشارات انبیای گذشته، الهام‌های غیبی، سخن از پدران، دوران کودکی، جوانی، بعثت و استقرار نبوت همگی در این بخش جای می‌گیرند.

ماوردی در ذکر روایات به مسئلهٔ مکان و زمان که از مهم‌ترین الزامات تاریخی هستند و تاریخ با این مؤلفه‌ها معنا می‌یابد توجه نشان داده است. آنجا که به ذکر «عصمت الله تعالی له من اذی المشرکین» و ذکر داستان اجتماع قریش در دارالندوه پرداخته است: «در غزوه ذی عمر از یارانش جدا شد و تنها دراز کشید. دعشور نامی بالای سر او ایستاد و شمشیر خود را از غلاف بیرون آورد و گفت ای محمد چه کسی تو را از من محافظت می‌کند؟ فرمود: خداوند. در همین هنگام شمشیر از دست دعشور افتاد و پیامبر(ص) آن را گرفت و گفت: چه کسی تو را از من محافظت می‌کند؟ دعشور گفت هیچ‌کس. گواهی می‌دهم که خدایی جز پروردگار یکتا نیست و محمد(ص) فرستادهٔ اوست.» (ماوردی، ۱۴۱۴: ۱۶۴).

نمونه‌های متعددی از این داستان‌ها که حاوی عناصر زمان و مکان و موقعیت تاریخی هستند و حتی در منابع تاریخ‌نگاری اسلامی شهرت یافته‌اند در اعلام النبوه به فراوانی یافت می‌شود، از جمله داستان‌های متعددی از غزوه خندق (همان: ۱۶۷)، صلح حدیبیه (همان: ۱۷۰)، غزوه ذی‌امر (همان: ۱۶۳)، ليله الاسرى (همان: ۱۸۷)، داستان‌های متعددی از صحابه پیامبر (ص) و... که همگی متضمن نشانه‌های نبوت محمد (ص) هستند.

ماوردی داستان گم شدن ناقه در غزوه تبوک را که در سیره ابن‌هشام هم آمده است بدون ذکر منبع آورده است: «شتر پیامبر (ص) در غزوه تبوک گم شد. مردم در جست‌وجوی آن پراکنده شدند. زیدبن‌الصیت که یهودی اسلام آورده و منافقی بود به عماره‌بن‌حزم گفت: محمد گمان می‌کند که پیامبر خداست و از آسمان خبر می‌دهد، حال آنکه نمی‌داند شترش کجاست. پیامبر (ص) گفت: «منافق می‌گوید که محمد می‌پندارد نبی است و شما را از آسمان خبر می‌دهد و نمی‌داند شترش کجاست. به خدا قسم من نمی‌دانم جز آنچه را که خداوند به من خبر می‌دهد و اینک به من خبر داده است که شتر در فلان روستاست و افسار آن به درختی بسته شده است». به دنبالش رفتند و شتر را در همان مکان پیدا کردند (همان: ۱۸۹).

نوع دیگری از معجزاتی که ماوردی از آن‌ها یاد کرده است اخباری است که از آینده می‌داد. از جمله برخی خبرهای مشهور مانند آگاهی‌یافتن پیامبر (ص) از مرگ نجاشی و نماز خواندن بر او (همان: ۱۸۶) و نیز نزول جبرئیل بر پیامبر و دادن این وحی که حسین‌بن‌علی (ع) در سرزمین طف به شهادت خواهد رسید (همان: ۲۱۰). حضور شخصیت‌های تاریخی در این داستان‌ها از جمله جابر بن عبدالله در داستان اول و ابوبکر، عمر، علی (ع)، حذیفه، عمار و ابوذر در دوران کودکی حسین‌بن‌علی (ع) و ارائه تصویر تاریخی از مدینه حاکمی از بینش تاریخی ماوردی است.

۳. تسامح در شناخت راوی

می‌توان ادعا کرد بخش دوم کتاب *اعلام النبوه* متضمن دیدگاه‌های تاریخ‌نگارانه ماوردی است. نویسنده در این بخش معجزات نبوی را ذکر می‌کند و به دلیل ارائه روایات متعدد و فراوان در موضوع تا حدودی شیوه اهل خبر و حدیث را در پیش گرفته است. دلیل این امر به این مسئله مربوط می‌شود که در زمان ماوردی علم تاریخ و علم الاخبار هنوز به‌طور کامل از هم مستقل نشده بودند. مورخان معاصر ماوردی علاقه‌ای به توجه به معجزات پیامبر (ص) نداشتند، اما در سده‌های پیش به‌ویژه قرون دوم و سوم هجری، هنوز راه تاریخ و حدیث از هم جدا نشده بود و روایاتی در موضوع معجزات پیامبر اسلام (ص)، در آثار معتبر تاریخ‌نگاری و نیز در مجامع

حدیثی مشاهده و یافت می‌شد.

به‌خصوص در طبقات ابن‌سعد، سیره ابن‌هشام، صحیح بخاری، سنن ترمذی و... بنابراین توجه ماوردی به چنین روایاتی را می‌توان به موضوع کتابش نسبت داد که او نیز مانند تمامی نویسندگان کتب دلائل، بخشی از توجه خود را به احادیث مبتنی بر معجزات نبوی اختصاص داده است، اما به‌دلیل اینکه سلسله روایت را حذف کرده است می‌توان نزدیکی به شیوهٔ مورخان را در این محور نیز به او نسبت داد.

ماوردی در نقل روایات که مشخصاً حدیث هستند و در جوامع حدیثی یافت می‌شوند، شبیه محدثان رفتار نکرده و سلسلهٔ سند را به‌طور کامل ذکر نکرده، اما از راوی یا راویان اصلی نام برده است؛ مثلاً «روی ابن‌شهاب عن عروه عن عائشه رضی الله» (همان: ۲۴۱) یا «و من آیاته: ما رواه عبدالله بن بریده عن ابیه» (همان: ۲۲۱). ماوردی در بیشتر موارد، از منابع تاریخی و حدیثی استفاده کرده، اما در برخی موارد روایت‌ها نه در کتب تاریخی یافت شده‌اند و نه در کتاب‌های سیره. از جمله داستان کلده بن اسد ابالاشد که بدون ذکر راوی آن را به‌عنوان یکی از نشانه‌های نبوت ذکر کرده است. «کلده از بزرگان قریش بود و یک روز با این فکر که به پیامبر (ص) آسیبی برساند همراه او شد. نیزه‌ای همراه او بود که ناگهان به سمت سینه‌اش برگشت و در آن فرورفت. از شدت ترس فرار کرد و به نزد قریش برگشت. در جواب اینکه چرا پریشانی به آن‌ها گفت: شما پشت سر من چیزی نمی‌بینید؟ که پاسخ قریش منفی بود. ابالاشد گفت ولی من می‌بینم و اگر شما هم آن را می‌دیدید هلاک می‌شدید» (همان: ۱۶۰).

منابع سیره‌ای ماوردی در روایت معجزات پیامبر (ص)، از این قرار است: عبدالله بن عباس، ابوهریره، انس بن مالک، جابر بن عبدالله انصاری، امام علی (ع)، عایشه. از دیگر محدثانی که از آن‌ها روایت شده، به این افراد می‌توان اشاره کرد: وهب بن منبه، معاذ بن جبل، ولید بن مغیره مخزومی، برابن‌عازب، عبدالله بن زبیر، عبدالله بن مسعود، ابوسعید خدری، جبیر بن مطعم، جابر بن سمره، ابن‌قتیبه، محمد بن اسحاق، حسن بصری و یعلی بن شبابه. از این میان، وثاقت برخی از راویان محل تردید است. ابوهریره (همان: ۱۱۷ و ۱۱۰ و...) که به‌دلیل کثرت روایاتش از پیامبر (ص) که تعداد آن‌ها به ۵۳۷۴ حدیث می‌رسد، انگشت اتهام دروغ‌گویی به‌سوی او دراز شده است (ابوری، بی‌تا: ۱۷۵-۱۷۳). یا وهب بن منبه (ماوردی، ۱۴۱۴: ۱۷۰ و ۱۱۵) که در پیدایش و نشر اندیشه‌های خرافی و اسرائیلیات نقش زیادی داشته است (دیاری، ۱۳۷۹: ۱۲۷).

گذشته از روایات که با ذکر نام راویان اصلی همراه بوده است، ماوردی در برخی موارد به منابع خود نیز اشاره کرده است. برای مثال در ابتدای روایتی از جنگ خندق می‌گوید: از

نشانه‌های پیامبری‌اش روایتی است که بخاری از عبدالواحد بن ایمن از پدرش نقل کرده است (همان: ۱۶۷). درباره اشاره به منابع باید از بشارات انبیا پیشین درباره نبوت محمد (ص) هم نام برد که یکی از محورهای مهم دلائل‌نگاری به شمار می‌رفته است. ماوردی می‌گوید بین موسی و عیسی از پیامبرانی که کتاب به آن‌ها داده شد، شانزده پیامبر در میان بنی‌اسرائیل ظهور کردند؛ از جمله موسی، عیسی، نوال بن نوتال، عوبدیا، میخا، حبقوق، حزقیال، صفینا، زکریا بن یوحنا، ارمیا بن برخنا و دانیال و بسیاری از آن‌ها نبوت محمد (ص) را بشارات دادند. سخنان این پیامبران در عهد عتیق آمده است و ماوردی در ذکر بشارات این انبیا به کتاب آن‌ها که در تورات منقول است ارجاع داده است (ماوردی، ۱۴۱۴: ۲۴۱-۲۳۱).

توضیح اینکه نویسنده در بخش پایانی کتاب به ذکر پدران و اجداد محمد (ص) و زندگانی او از پیش و بدو تولد و دوران کودکی و جوانی تا نبوت او می‌پردازد. این بخش متضمن ذکر اخلاق و ویژگی‌های پیامبر (ص) نیز هست و بیشتر از تمام بخش‌های دیگر کتاب صبغه تاریخی دارد و نشان می‌دهد که نویسنده با تاریخ و کتب تاریخی آشنایی تام و تمام داشته است. با وجود اینکه تمام این مباحث در کتب تاریخی یافت می‌شوند، ماوردی به منابع خود که تاریخ طبری یا سیره ابن هشام و مانند آن بوده یا نه هیچ اشاره‌ای نکرده است.

۴. توجه به امکان وقوع اخبار

ماوردی با وجود داشتن بینش تاریخی که آن را در جای‌جای *اعلام النبوه* می‌بینیم، در نقل برخی اخبار به مسئله امکان وقوع آن‌ها توجهی نداشته است. شاید بتوان آن را متأثر از موضوع کتاب یعنی «اعجاز نبوت» دانست که با توجه به مفهوم معجزه، به خودی خود از دایره علیت خارج می‌شود. ممکن است نویسنده به این دلیل در انتخاب روایات تسامح به خرج داده باشد؛ برای مثال «ما با رسول خدا (ص) در مکه بودیم. در بعضی از نواحی آن که خارج می‌شد، درخت و کوهی به او نرسید، مگر اینکه می‌گفت: سلام بر تو ای رسول خدا (ص)». (همان: ۲۲۲) یا در جای دیگر از جابر بن عبدالله نیز روایت می‌کند که گفت «پیامبر از راهی عبور نمی‌کرد مگر اینکه درخت و سنگ بر او سجده می‌کردند». (همان: ۲۲۳) یا «به نقل از ابوسعید خدری، چوپانی در حرّه گوسفندانش را می‌چراند. گرگی آمد و یکی از گوسفندان را گرفت. وقتی چوپان مانع از بردن گوسفند شد، گرگ بر روی دمش نشست و به او گفت: آیا از خدا نمی‌ترسی؟ بین من و روزی که به من داده مانع ایجاد می‌کنی؟ چوپان گفت: من از گرگی که بر دمش ایستاده و مانند انسان صحبت می‌کند در شگفتم. گرگ پاسخ داد: چیزی شگفت‌انگیزتر از این به تو بگویم؟ در منطقه بین دو بیابان (حجاز)، رسول خدا (ص) از اخبار

گذشتگان برای مردم می‌گوید. چوپان گوسفند را گرفت و به مدینه رفت. پیامبر (ص) به میان مردم آمد و به چوپان گفت: برخیز و سخن بگو. وقتی حرف‌هایش را گفت، پیامبر گفت او درست می‌گوید. این شخص عمیر طایی نام داشت که به این مناسبت او را سخن‌گوینده با گرگ نامیدند.» (همان: ۲۱۴)

رویکرد ماوردی در ذکر چنین روایت‌هایی یادآور رویکرد اشاعره به این موضوع است. برخلاف عقل‌گرایان که به قانون علیت معتقدند، اشاعره می‌گویند که ممکنات قوهٔ عطا خود را از خداوند دارند و چون خدا دلیل وجود هر چیزی است، پس ماده در ماده اثر نمی‌کند و تمام تحولات در جهان بر طبق مشیت الهی است؛ بنابراین یکی از نمودهای دخالت الهی در به‌دنبال هم آمدن حوادث، ظهور معجزات است؛ زیرا معجزه امری خارق عادت است (حلبی، ۱۳۷۳: ۹۴). انگیزهٔ اشعری در رد علیت دربارهٔ معجزه، دفاع از دین بوده است؛ چون علیت با معجزه سازگار نیست (گلستانی، ۱۳۸۱: ۲۹).

۵. توجه به نقد و تحلیل

همان‌طور که اشاره شد کتاب *اعلام النبوه* از دو بخش تشکیل شده است: در بخش اول که نویسنده مباحث کلامی خویش را ارائه می‌دهد می‌توان رویکرد تحلیلی او را بیشتر مشاهده کرد؛ در بخش دوم که مبتنی بر روایات و نیز مباحث تاریخی و در واقع متضمن تاریخ‌نگاری ماوردی است با تحلیل کمتری مواجه هستیم. البته اگر چهارچوب کلی کتاب را در نظر بگیریم که تحلیل او در زمینهٔ اعجاز نبوت است، نویسنده به‌طور کلی رویکرد تحلیلی داشته است. با وجود این در پرداختن به روایات تحلیل خاصی ارائه نکرده است.

اساساً علم حدیث و رویکرد محدثان به احادیث از نظر نقد و تحلیل روایات منفعلانه بود و به این دلیل که مبنای بخش مهمی از موضوع معجزات نبوی را حدیث تشکیل می‌داد، در بیشتر موارد با این مسئله مواجه هستیم و در تاریخ‌نگاری ماوردی نیز همین امر مشاهده می‌شود. با وجود این می‌توان ادعا کرد رویکرد ماوردی اگر نه به‌طور کامل، تا حدود زیادی منطبق بر واقع‌گرایی بوده و پیش‌فرض‌ها و تفسیرهای متافیزیکی نویسنده چندان پررنگ‌تر از مورخان سابق بر او از جمله طبری نبوده است. در بیشتر موارد، روایات یا حاوی عناصر تاریخی هستند یا در کتب تاریخی و مجامع حدیثی یافت می‌شوند. شاید دلیل دیگر انتخاب برخی روایات، شهرت آن‌ها بوده است. نمونه‌هایی که از پیش گفته شد در اینجا نیز کاربرد می‌یابند.

تأثیر رویکرد کلامی نویسنده بر تاریخ‌نگاری او

بخش اول کتاب *اعلام النبوه* به مباحث کلامی اختصاص یافته و نویسنده با پرداختن به مباحثی مانند وجوب توحید و نبوت از نظر شرعی و عقلی، عقل و انواع آن، شناخت خدا و یکتایی او، تکلیف و بحث‌هایی در این زمینه و... مقدمات بحث خویش را فراهم آورده است. ماوردی با اثبات وحی نبوت، ادله نبوت و معجزات به‌عنوان نشانه‌های نبوت، آن‌ها را همچون مباحثی نظری تشریح کرده است. پس از آن به انواع وحی و مراتب آن اشاراتی کرده و در ادامه با پرداختن به مباحثی در زمینه تبلیغات پیامبران، فرق میان انبیا و رسولان را بیان کرده و وجوب تبلیغ برای پیامبر اسلام (ص) را اعلام کرده است. پس از ارائه چنین مقدماتی، معجزات پیامبر اسلام را ذکر کرده است.

اگرچه تاریخ‌نگری او را در بخش دوم کتاب می‌توان دید، ماوردی در بخش اول کتاب و لابه‌لای مباحث کلامی خویش نیز به فراخور بحث برخی روایت‌های تاریخی را نیز ارائه کرده است. برای نمونه می‌توان به فصل پنجم کتاب *فی مده العالم و عده الرسل* اشاره کرد که در اینجا با ذکر چندین روایت که راوی اصلی آن‌ها را آورده و نیز داستان‌هایی از قرآن درباره پیامبران الهی، رویکردی روایی ارائه کرده است. اگرچه ماوردی منابع خود را به این دلیل که مورخ نبوده ذکر نکرده است، اما برخی از روایاتی که در این بخش آورده در منابعی همچون *تاریخ طبری* و *سنن ترمذی* آمده است. درواقع ماوردی در طرح بحث‌های کلامی از تاریخ به‌عنوان علمی کمکی بهره برده است.

ماوردی در صحبت از اعجاز قرآن به مواضع معتزله در این موضوع نزدیک شده است. او اعجاز قرآن را به‌عنوان مهم‌ترین معجزه پیامبر (ص) در ایجاز، فصاحت و نظم قرآن شناخته و آن را شامل کثرت و شمول معانی، اعجاز علمی، آگاهی‌هایی که از قرون گذشته و اطلاعاتی که از آینده می‌دهد، زیبایی الفاظ، تلاوت و ترتیل، فصاحت و بلاغت، آسانی به خاطر سپردن و نیز در برتری بر کلام و نثر و شعر فصیح دانسته است.

همچنین معتقد است که چون هیچ انسانی نتوانست مانند آن را بیاورد پس معجزه است و این اعجاز در تحدی را ادامه‌دار می‌داند (ماوردی، ۱۴۱۴: ۱۵۵-۱۲۵) و این درست مانند نگاه معتزله زمان اوست. معتزله نیز وجوه اعجاز قرآن را بلاغت، اخبار غیبی و صرفه دانسته‌اند (الرمانی، ۱۹۷۶: ۱۰۹). قاضی عبدالجبار صرفه را امتناع اعراب از ورود به عرصه معارضه با قرآن، با وجود انگیزه‌های مختلفی که داشتند دانسته است. دلیل آن را نیز ناتوانی آن‌ها در این کار ذکر کرده و اینکه آن‌ها می‌دانستند که نمی‌توانند این کار را انجام دهند (قصاب، ۱۹۸۵: ۳۲۴-۳۲۰). درواقع ماوردی نیز معتقد است که آن‌ها از معارضه بازداشته شدند (همان: ۱۵۲).

ماوردی اگر چه با پذیرش برخی نشانه‌های پیامبری در قبل از بعثت، شبیه اشاعره رفتار کرده، واقعیت این است که با تأکید ویژه بر فصاحت، بلاغت قرآن و اخبار غیبی در آن و اثبات معجزه بودن آن از این طریق، مانند معتزله اندیشیده است. همچنین او عصمت پیامبر را در دوران پیش از بعثت پذیرفته است (ماوردی، ۱۴۱۴: ۳۰۵) و این نشان‌دهندۀ رویکرد اعتزالی است؛ زیرا اشاعره با این مسئله مخالفند. از طرفی با پذیرش برخی فضایل و کمالات برای پیامبر (ص)، از این نظر نیز مانند معتزله به اعجاز نبوت پرداخته است.

توضیح اینکه به‌مانند مؤید زیدی که در اصول معتزلی بود، او نیز معتقد بوده است که ویژگی‌های اخلاقی محمد(ص) مانند صداقت و امانت‌داری، پیش از نبوت نشانه‌ای برای نبوتی در آینده است. ماوردی دلیل آن را پذیرش ادعای نبوت از سوی مردم دانسته است (همان: ۳۲۴-۳۰۹).

نتیجه‌گیری

با توجه به تعریف تاریخ‌نگاری که به‌طور کلی حاوی بینش تاریخی مورخ یا اندیشه‌ای است که در پس تاریخ‌نگاری اوست، می‌توان تاریخ‌نگاری ماوردی را در بخش دوم کتاب که مفصل‌ترین بخش آن است، بررسی کرد. نویسنده در پرداختن به مسئله اعجاز که محور اصلی کتاب/اعلام النبوه است، با تأکید بر اعجازی که در چهارچوب قدرت بشری قرار نمی‌گیرد، نگاه مؤمنانه‌خویش به این مسئله را آشکار کرده است. با وجود اینکه کتاب، ظاهراً در حوزه مباحث کلامی قرار دارد، نویسنده در پرداختن به روایات متضمن زندگی و معجزات پیامبر(ص)، با توجه ویژه‌ای که به عناصر تاریخی یعنی زمان، مکان و موقعیت معطوف کرده، بینش تاریخی خویش را آشکار کرده است. نمونه‌های فراوانی از روایات درباره زندگی پیامبر(ص) که در کتب تاریخی و حدیثی آمده است، مانند داستان‌هایی از صلح حدیبیه، غزوه ذی‌امر و ماجرای مرگ نجاشی با تأکید بر نشانه‌های پیامبری حضرت محمد(ص) ارائه شده‌اند، اما متضمن بینش تاریخی یا تاریخ‌نگاری نویسنده نیز هستند.

ازسوی دیگر و از نظر بررسی منابع، با توجه به اینکه مبنای بخشی از اثر ماوردی ارائه روایات بوده است، با سهل‌انگاری که در ذکر روایان احادیث یا روایات از خود بروز داده، یک قدم دیگر به مورخان نزدیک شده است؛ بنابراین می‌توان گفت علی‌رغم موضوع کتاب که همگرایی بسیاری با مباحث کلامی دارد، شیوه پرداختن به موضوع، ماوردی را دارای بینش تاریخی و سبکی مورخ‌گونه نشان داده است. وی در ذکر روایات معجزه‌محور پیامبر سخت‌گیری نکرده و می‌توان گفت توجه چندانی به امکان وقوع اخبار نداشته است. ماوردی

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۲، شماره ۳۰، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ / ۲۷

در کل، کتابش را با رویکرد تحلیلی نوشته است. مباحث آغازین کتاب نگاه استدلالی او به مسئله را نشان می‌دهد، اما مباحثی که حاوی اندیشه تاریخی نویسنده هستند، بیشتر در بخش دوم کتاب آمده‌اند. در این بخش و در ارائه روایات، ماوردی تحلیل چندانی ارائه نکرده است. در هر حال، تا حد زیادی رویکرد او منطبق بر واقع‌گرایی بوده و چندان تفسیرهای متافیزیکی را نپذیرفته است.

نویسندگان قرون میانه ماوردی را معتزلی و محققان معاصر وی را اشعری دانسته‌اند. بررسی نگاه کلامی نویسنده در کتاب *اعلام النبوه* حاکی از این است که سخت‌گیری نداشتن او در پذیرش انواع مختلف معجزات از جمله قبل از بعثت، شبیه به رویکرد اشاعره بوده است. با وجود این، تأکید ویژه بر فصاحت، بلاغت و اخبار غیبی قرآن، عصمت پیامبر (ص) پیش از بعثت، تأکید بر فضائل و کمالات پیامبر در اثبات نبوت او یادآور نوع نگاه معتزله به این موضوع است.

منابع

آقاجری، هاشم (۱۳۸۰) *تأملاتی در علم تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی*، تهران: نقش جهان.
ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی بن محمد (۱۴۱۲) *المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم*، بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن خلکان، احمد بن محمد (بی تا) *وفیات الاعیان و انبا ابنا الزمان*، بیروت: دارالفکر.
ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم (۱۹۷۳) *تأویل مشکل القرآن*، شرح و نشر سید احمد صقر، بی‌جا: المکتبه العلمیه.

ابوری، محمد (بی تا) *اضوا علی السنه المحمديه او دفاع عن الحدیث*، قاهره: دارالمعارف.
اعتمادالسلطنه، محمد حسن بن علی (۱۳۶۳) *تاریخ ناصری*، به تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.

بغدادی، اسماعیل پاشا (۱۹۵۱) *هدیه العارفین*، بیروت: دار احیا التراث العربی.
بیرونی، ابوریحان (۱۳۷۷) *آثار الباقیه*، ترجمه اکبر داناسرشت، تهران: امیرکبیر.
پهلوان، چنگیز (۱۳۷۲) «ماوردی: نگاهی به زندگی و آثار او»، *کلک پژوهش*، (۴۷ و ۴۸)، ۳۵-۱۲.
خوانساری، میرزا محمد باقر (۱۳۶۰) *روضات الجنات*، قم: مهر استوار.
جارالله، زهدی حسن (۱۳۶۶) *المعتزله*، قاهره: نادى العربی فی یافا.
حسنی رازی، سید مرتضی بن داعی (۱۳۶۴) *تبصره العوام فی معرفه مقالات الانام*، تهران: اساطیر.
حسینی علوی، ابوالمعالی محمد (۱۳۷۶) *بیان الادیان در شرح ادیان و مذاهب جاهلی و اسلامی*، تهران: روزنه.

حلبی، علی اصغر (۱۳۷۳) *تاریخ علم کلام در ایران و جهان اسلام*، تهران: اساطیر.

خوارزمی، ابو عبدالله محمد بن احمد بن یوسف کاتب بلخی (بی تا) *مفاتیح العلوم*، به تحقیق ابراهیم الایبیری، بی جا: دارالکتب العربی.

دیاری، محمدتقی (۱۳۷۹) *پژوهشی در باب اسرائیلیات در تفسیر قرآن*، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.

ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد بن عثمان (۱۴۱۳) *اعلام بوفیات الاعلام*، بیروت: دارالفکر المعاصر. _____ (۱۴۱۴) *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر الاعلام*، بیروت:

دارالکتب العربی.

رایبسون، چیس اف (۱۳۹۲) *تاریخ‌نگاری اسلامی*، ترجمهٔ محسن الویری، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، مرکز تحقیق و توسعهٔ علوم انسانی.

رازی، ابوحاتم (۱۳۸۱) *اعلام النبوه*، تهران: مؤسسهٔ حکمت و فلسفه.

الرمانی المعتزلی، ابوالحسن (۱۹۷۶) *النکت فی اعجاز القرآن، ثلاث رسائل فی اعجاز القرآن*، دارالمعارف بمصر.

زرکلی، خیرالدین (۱۹۸۹) *اعلام*، بیروت: دارالعلم للملایین.

سجادی، صادق؛ عالم‌زاده، هادی (۱۳۸۰) *تاریخ‌نگاری در اسلام*، تهران: سمت.

سخاوی، محمد بن عبدالرحمن (۱۴۱۳) *الاعلان بالتوبیخ لمن ذم التاریخ*، بیروت: دارالجیل.

سزگین، فؤاد (۱۳۸۰) *تاریخ نگارش‌های عربی*، ترجمهٔ مؤسسهٔ نشر فهرستگان، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

سمعانی، عبدالکریم (۱۴۰۸) *الانساب*، بیروت: دارالجنان.

شبانکاره‌ای، محمد بن علی (۱۳۸۱) *مجمع الانساب*، به تصحیح هاشم محدث، تهران: امیرکبیر.

شیرودی، مرتضی (۱۳۸۳) *اندیشهٔ سیاسی مسلمانان*، قم: یاقوت.

صابری، حسین (۱۳۸۸) *تاریخ فرق اسلامی*، تهران: سمت.

صدقی، ناصر (۱۳۹۵) «جایگاه علم تاریخ در طبقه‌بندی علوم توسط اندیشمندان مسلمان از خوارزمی تا ابن‌خلدون»، *پژوهش‌های تاریخی*، ۵۲(۲)، ۳۴-۲۱.

صفدی، خلیل بن ابی‌بکر (۱۴۱۱) *الوافی بالوفیات*، بیروت: دارصادر.

طبری، محمد بن جریر (بی تا) *تاریخ الا و الملوک*، بیروت: بی نا.

علیخانی، علی‌اکبر (۱۳۹۰) *اندیشهٔ سیاسی متفکران مسلمان*، تهران: پژوهشکدهٔ مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۳۸۲) *جامع العلوم*، به تصحیح سیدعلی آل داوود، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

فیاض انوش، ابوالحسن؛ کجیاف، علی‌اکبر؛ مهدوی راونجی، غلامرضا (۱۳۹۵) «تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری خاندان منجم یزدی»، *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*، دانشگاه الزهراء (س)، ۲۶(۱۸)، ۱۱۰-۸۹.

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۲، شماره ۳۰، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ / ۲۹

فیضی سخا، مهدی (۱۳۹۳) «تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری عبدی‌بیک شیرازی در تکمله الاخبار»،
تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، دانشگاه الزهراء(س)، ۲۴(۱۳)، ۱۲۳-۱۰۵.
قادری، حاتم (۱۳۸۳) اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب
علوم انسانی.

قصاب، ولید (۱۹۸۵) التراث النقدي و البلاغی للمعتزله حتی نهاییه القرن السادس الهجری، دوحه:
دارالثقافه.

گلستانی، هاشم (۱۳۸۱) کلیات فلسفه و علم کلام، اصفهان: فرهنگ مردم.
لطف‌آبادی، محسن (۱۴۰۰) «تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری حزین لاهیجی (۱۱۸۰-۱۱۰۳)»، تاریخ‌نگری و
تاریخ‌نگاری الزهراء(س)، ۳۱(۲۷)، ۲۵۸-۲۳۵.

ماوردی، علی‌بن محمد (۱۳۷۲) ادب الدنيا و الدین، ترجمه عبدالعلی صاحبی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های
آستان قدس رضوی.

_____ (۱۴۱۴) اعلام النبوه، محقق: خالد عبدالرحمن عک، بیروت: دارالفنایس.

مدرس، میرزا محمدعلی (بی‌تا) ریحانه الادب، تبریز: چاپخانه مشفق.

یاقوت حموی، یاقوت‌بن عبدالله (۱۴۰۰) معجم الادبا، بی‌جا: دارالفکر.

List of Sources with English handwriting

- Abu Rayyah, Mahmud (n. d), *Lights on the Mohammadan Sunnah or Defence of the Hadith*, Cairo: Dār ul- Ma'ārif.
- Aghajari, Hashem (2001), *Reflections on Islamic history and historiography*, Tehran: Naqš e jahān.
- Ali Khani, Ali Akbar (2011), *Political thought of Muslim intellectuals*, Tehran: Institute for Cultural and Social Studies.
- Al- Rommānī Al- Mu'tazilī, Abūḥassan (1976), *Al- Nakat fī E'jāz Al- Quran*, (N, P): Dār Al- Ma'ārif.
- Baḡdādī, Esmā'il Pāšā (1992), *Hadīyyat ul- 'Ārefīn*, Beirut: Dār ul-Ketāb ul-Eslāmīyyeh.
- Bīrūnī, Abū Reīḥān (1998), *al-Ātār ul-Bāqīya*, translated by Dr. Akbar Dana Seresht, Tehran: Amīr Kabīr.
- Diyari, Mohammad Taqi (2000), *A research about Isrā'īlyāt in Quran interpretation*, Tehran: Sohrvardi Research and Publishing Office.
- E'temād-ul-Salṭana, Moḥammad Ḥassan b. 'Alī(1984), *Tārīk-e Nāserī*, correction Mohammad Esmail Rezvani, Tehran: Donyā-ye Ketāb.
- Faḡ r Rāzī, Moḥammad b. 'Omar (2003), *jāmi' ul- 'Olūm*, Tehran: Dr. Mahmoud Afshar Endowment Foundation.
- Fayaz Anosh, Abolhasan; Kajbaf, Ali Akbar; Mahdi Ravanji (2016), *Historiography and Historical Perspective of Munajjim Yazdi Family*, Biannual journal of Historical Perspective & Historiography Alzahra University, Vol.26, No.18, 2016.
- Feizisakha, Mahdi (2014), *Historiography & Historical Perspective of Abdi Baig Shirāzi in Takmalat Al Akbār*, Biannual journal of Historical Perspective & Historiography Alzahra University, Vol.24, No.13, 2014.
- Golestani, Hashem (2002), *General philosophy and theology*, Isfahan: Farhang-e Mardom.
- Halabi, Ali Asqar (2001), *The history of theology in Iran and the Islamic world*, Tehran: Asāfir.
- Ḥassanī Rāzī, Seyyed Morteżā (1985), *Tabşeraht ul- Awām fī Ma'rīfat Maqālāt ul- Anām*, Tehran: Asāfir.
- Ḥosseinī 'Alavī, Abol Ma'ālī Moḥammad (1997), *Bayān ul- Adyān*, Tehran: Rowzaneh.
- Ibn Al- jawzī, Abū al- Faraj 'Abd al- Raḥmān b. 'Alī b. Moḥammad (1992), *Al- Montazam fī Tārīk al- Omam wa al- Molūk*, Beirut: Dār ul- Kotob al- Elmīyyah.
- Ibn Ḳallakān (n. d), *Wafayāt ul- A'yān wa Anbāe Abnā ' Al- Zamān*, Beirut: Dār al- Fīkr.
- Ibn Qotayba, 'Abd Allāh b. Moslīm (1973), *Ta'wīl Moškīl ul- Qurān*, Description and publication seyed Ahmad saqr, (n.p): Maktabah al- Elmīyyah.
- jār Allāh, Zohdī Ḥassan (1987), *Al Mo'tazila*, Cairo: Nādī al Arabī fī yāfā.
- Ḳānsārī, Mīrzā Moḥammad Bāqīr (1981), *Rawżāt al- jannāt*, Qom: Mehr-e Ostūvār.
- Ḳwarazmī, Moḥammad b. Aḥmad (N, D), *Mafātīḥ ul- 'Olūm*, (N, P): Dār ul- Ketāb Al- Arabī.
- Lotfabadi, Mohsen (2021), *An Analysis about Historiography and Historical Perspective of Hazin Lāhiji*, Historical Perspective & Historiography, Vol.31, No.27, 2021.
- Māwardī, 'Alī b. Moḥammad(1993), *Adab al-Donya va al-Din*, translated by 'Abdol'ali Šāḥebī, Mašhad: Astan Quds Razavi Research Foundation.
- Māwardī, 'Ali b. Moḥammad(1414), *A'lām ul- Nabowah*, translated by 'Abd ul-Rahmān 'Ack, Beyrūt: Dār al- Nafāess.
- Modarress, Mīrzā Moḥammad 'Alī (N, D), *Reyhānaht ul- Adab*, Tabrīz: Mošfeq.
- Pahlavan, Changiz (1993), *Mawardi: a look at his life and works*, Kelk e Pažūheš, N 47& 48.
- Qaderi, Hatam (2004), *Political Thoughts in Islam and Iran*, Tehran: Samt.

- Qassab, Valid (1985), *The critical and rhetorical heritage of the Mu'tazila until the end of the sixth century AH*, Doha: Dār ul- ḥiqāfah.
- Rāzī, Abū Ḥātam (2002), *A'lām al- Nabowah*, Tehran: Hekmat & Philosophy Institution.
- Robinson, Chase F (2013), *Islamic Historiography*, translated by Mohsen Alviri, Tehran: Samt.
- Šabānkāre'ī, Moḥammad b. 'Ali (2002), *Majma'ul Ansāb*, Tehran: Amīr Kabīr.
- Saberi, Hossein (2009), *A History of the Islamic Sects*, Tehran: Samt.
- Šafdī, Ḳalīl b. Āybak (1990), *Al- Wāfī b Al- Wafayāt*, Beyrut: Dār Šadīr.
- Sajadi, Sadeq; Alem Zadeh, Hadī (2001), *Historiography in Islam*, Tehran: Samt.
- Saḡ āvī, Moḥammad b. 'Abd ul-Raḥmān (1992), *Al- A'lān Bel Tobīk le Man Ḍamm e Tarīk*, Beirut: Dār Al- jīl.
- Sam'ānī, 'AbdolKarīm (1987), *Al- Ansāb*, Beirut: Dār Al- janān.
- Sedqī ,Naser (2016), *The Status of History Science in Science Classification Based on Muslim Scholar's View Point*, journal of Historical researches, vol 8, issue 2, N 30, summer 2016.
- Sezgin, Fuat (2001), *History of Arab heritage*, translated by Fehrestgan institution.
- Shirudī, Morteza (2004), *Political thought of Muslim*, Qom: Yāqūt.
- Ṭabarī, Moḥammad b. Jarīr (N, D), *Tarīk Al- Omam wa Al- Molūk*, Beyrut: (N, N).
- Yāqūt Ḥamavī, Yāqūt b. 'Abdollah (2021), *Mo'jam ul Odabā*, (N, P): Dār al Fīkr.
- Zahabī, Moḥammad b. Aḥmad (1992), *E'lām bwafayāt Al- A'lām* , Beyrut: Dār al-Fīkr al- Mo'āsīr.
- Zahabī, Moḥammad b. Aḥmad (1993), *Tarīk Al- Islām wa Wafayāt Al- Mašāhūr Al- A'lām*, Beyrut: Dār al-Ketāb al-Arabī.
- Zereklī, Ḳeyreddīn (1989), *Al A'lām*, Beyrut: Dār Al- 'Elm Lalmaḷāeīn.



The study of Māwardī 's historiographical opinions and thoughts in A'lām al-Nubuwwah¹

Mohammad Amir Ahmadzadeh²
Mahnaz koochi³

Received: 2023/11/02
Accepted: 2024/03/14

Abstract

Abul Ḥasan Ali b. Mohammad b. Ḥabib Basri Māwardī was one of the great Ṣafi'i jurists in the 4th and 5th Hijri centuries, who occupies an important place in the history of political thought in Islam due to the numerous works he wrote on the subject of politics. "A'lām al-Nubuwwah" is one of Māwardī's surviving works written on the subject of proving the prophethood of the Prophet Mohammad (peace be upon him) by referring to his prophetic signs. Considering the fact that this book is one of the biographical works, and also considering the fact that the historical perspective means the historian's way of historical thinking, the present study attempts to find an answer to the question of what was the historical perspective or Māwardī's historiographical thoughts in "A'lām al-Nubuwwah", and on the other hand, what was the impact of his theological thoughts on his historiography? The authors arrived at these results through a descriptive-analytical approach and, the use of library sources: Māwardī had a historical insight when he spoke about the miracle-based narratives and also presented the history of Prophet's (pbuh) life. Despite the theological approach to the issue of miracles, he showed his historical insight by paying attention to historical elements (time-place-situation), showing tolerance in knowing the narrator, paying attention to the possibility of the arrival of news as much as possible, as well as criticism and analysis. His theological approach in discussing the miracles of the Quran and the acceptance of infallibility before prophethood was also similar to that of the Mu'tazila. Due to Ash'ari 's opposition to infallibility before prophethood, his theological approach in this work can be considered similar to that of the Mu'tazilites.

Keywords: Māwardī, A'lām al-Nubuwwah, Historical perspective, Miracles, Mu'tazili.

1. DOI: 10.22051/hph.2024.45447.1693

2. Associated Professor of History, Research Group of Intellectual and Cultural History of Iran, Department of History, Institute of humanities and cultural studies, Tehran, Iran. m.ahmadzadeh@ihcs.ir

3. Phd student in history of Islam, University of Lorestan, Khorram Abad, Iran. mahnazkoochi@yahoo.com

Print ISSN: 2008-8841/ Online ISSN: 2538-3507